

فرهنگ و ارشاد اسلامی، از شرکت در این جشنواره محروم شد. ایشان به خود من گفتند که من اجازه نمی‌دهم حتی خانواده من هم فیلم «آبادانی‌ها» ی شما را ببینند.

**امیر یوسفی:** سینمای ایران یک بدهکاری سی و چند ساله به آقای عیاری دارد که روزی باید جبران شود. شروع کار ایشان در دوره سینمای گلخانه‌ای بود اما آقای عیاری هیچ وقت گلخانه‌ای نشدند. «کاناپه» فیلمی است که باید گل سرسبد جشنواره ۹۵ می‌شد، اما وقتی نمی‌خواهند، دیگر مشکل آقای عیاری نیست؛ مشکل جشنواره است. اشکال از همه ماست که له له می‌زدیم همه فیلم‌ها را ببینیم اما ۲۳ بهمن دیدیم عجب کلاهی سرمان رفت. جشنواره فیلم فجر سفره دولتی است که همه عادت کرده‌ایم سر این سفره بنشینیم و تا زمانی که جایزه‌ای نگرقتیم همه می‌گوییم این جشنواره دولتی است ولی به محض گرفتن سیم‌رغ اشک از چشمانمان جاری می‌شود و هیأت داوران را بهترین می‌دانیم.

**در گفت‌وگویی که با آقای حسین نژاد یکی از اعضای هیأت انتخاب داشتیم ایشان تأکید داشتند که هیأت، این فیلم را پسندیده است اما از ابتدا تصمیم دیر جشنواره بر این مبنای بوده است که فیلم اجازه حضور در جشنواره را ندارد و فیلم شما «لرد» بدون رأی گیری و صرفاً برای هیأت انتخاب نمایش داده شده است.**

**عیاری:** تأسف بار است. یعنی ارسال فیلم به دبیرخانه جشنواره فقط پاسخی به ارضای کنجکاوی آنها بوده است.

**محسن امیر یوسفی:** در دوره قبل فیلم‌ها را به هیأت انتخاب نمی‌دادند که یک نوع کار غیرقانونی بود. امسال کلکی که به ذهنشان رسید این بود که خیال خودشان را راحت کنند و بگویند که هیأت انتخاب فیلم را دیده و صورتجلسه هم منفی بوده است. این توجیحات شاید برای روابط عمومی و مطبوعات دوروبر آقای دبیر قابل قبول باشد اما برای تاریخ سینما موجه نیست. شرمی که آقای عیاری می‌گویند در ساخت فیلم همیشه با او بوده برای کل سینمای ایران است؛ از زمانی که شخصیت‌های زن فیلم با همان پوشش خیابان نزد محارم‌شان تصویر شدند.

**عیاری:** همیشه خجالت می‌کشیدم که در فیلم‌هایم زن باید با روسری در کنار محارم‌ش ظاهر شود یا بدتر از آن به رختخواب رود. در «تنوره دیو» فرزانه کابلی نقش یک زن روستایی را بازی می‌کرد و برای اینکه حجابش را توجیه کنم زندگی با برادرهای شوهرش در یک خانه را بهانه کردم تا پوشش روسری در منزل بی دلیل نباشد. سال بعد در فیلم «شبح کژدم» در صحنه‌ای که جهانگیر الماسی به خانه نامزدش می‌رود حضور او در آن خانه را همزمان با ورود دختر و مادرش به خانه تصویر کردم تا این گونه تعبیر شود که فرصتی برای برداشتن روسری نداشته است. در «آن سوی آتش» هم عاطفه رضوی در نقش یک دختر عشایری است که صحنه داخلی ندارد و همیشه روسری به سر دارد اما از این فیلم به بعد نسبت به این قضیه خیلی جدی و حساس تر بودم تا جایی که هنگام ساخت «روزگار قریب» به واقع خجالت می‌کشیدم که فرح پهلوی، شمس پهلوی، پرستارهای بیمارستان و... همه را با روسری تصویر می‌کنم. این خجالت و شرم همراه من بود تا زمانی که بعد از یک وقفه شش ساله تصمیم به ساخت «کاناپه» گرفتم. با خودم عهد کردم که با فیلم نخواهم ساخت یا اگر هم بسازم زن نباید داشته باشد و اگر زن داشته باشد باید در ملامت باشد و نه مکان‌های خصوصی. ناگزیر در فیلم «کاناپه» تمام بازیگران زن داستان موهایشان را تراشیدند و کلاه کیس روی سرشان گذاشتند. از سوی دیگر فصل قصه را هم زمستان انتخاب کردم تا یک پوشش متعارف داشته باشند. معتقدم که در فیلم «کاناپه» کوچک‌ترین عمل غیر شرعی رخ نداده است. در حالی که در فیلم‌های جدید شخصیت‌های زن فقط یک روسری روی سرشان است که در بهترین شکل فقط دو سوم موها را پوشانده است.

**جاهد:** فیلمسازی مثل کیارستمی از اول آگاهانه رویکردی را انتخاب کرد که با این قضیه مواجه نشود.

**امیر یوسفی:** من خودم از علاقه‌مندان سینمای استاد

می‌کنی. روزی به یکی از مدیران گفتم مثل این می‌ماند که الان فرزند گمشده یک خانواده پیدا شود و پدر خانواده بگوید مخارج خانواده ما بعد از ۲۰ سال به خاطر تو زیاد شده و او را نپذیرد. این حرف من یک کم اذیتشان کرد.

**امیر یوسفی:** در مورد دوبله عادت مردم آرام آرام تغییر کرد و وظیفه سینماگران تغییر عادات مردم است. فیلم کاناپه هم بعد از ۳۰ سال ادامه همان نگاه است.

**اگر این دولت به عنوان دولت دوازدهم انتخاب شود خواسته شما از مدیران سینمایی چیست؟**

**عیاری:** همان صحبت‌های قبلی بدیهی‌ترین خواسته‌های ماست و ما این مسیر پرفراز و نشیب را طی این سال‌ها تجربه و نقد کردیم. وعده‌ها باید درست باشد. من هم معتقدم فعلاً گزینه بهتری از آقای روحانی نداریم. نمی‌خواهم حرف چهار سال پیش را تکرار کنم که اگر این دولت فیلم خانه پدری را آزاد نکند من به آن باور ندارم.

**جاهد:** من سینماگر نیستم اما به عنوان کسی که سینمای ایران را دنبال می‌کند می‌گویم حداقل دولتی و سازمان وابسته به دولت داشت این است که سنگ جلوی پای سینماگران نگذارد و اعتماد آنها را جلب کند. اگر حمایت می‌کنند توقعات بیجایی از سینماگران در جهت منافع سیاسی نداشته باشند و اجازه دهند سینماگران خودشان را بیان کنند. در همه جای دنیا سوسپسیدهای دولتی پرداخت می‌شود اما انتظاری از سینماگر نیست که جریان یا تفکر خاصی را تبلیغ کند. آنها بر این باورند که وظیفه‌شان این است که برای چرخش جریان فرهنگ، بودجه در اختیار سینماگران بگذارند.

**امیر یوسفی:** من که امیدی ندارم اما حداقلش این است که در حوزه فرهنگ راستگو باشم و دروغ نگویند و همین خواسته کوچک به نظرم همه چیز را حل می‌کند. صراحت داشته باشند و در سینما سیاست ورزی نکنند چرا که سیاست ورزی به امید اهالی فرهنگ و هنر لطمه خواهد زد.

**جاهد:** برای من جالب است که ساخت «کاناپه» تا چه اندازه تحت تأثیر خانه پدری و اتفاقاتی است که برای این فیلم افتاد؟

**عیاری:** به شکل مستقیم با چنین تأثیری برخورد نداشتم اما مگر می‌شود از درون، مرا ویران کرده باشد و تأثیر نگذارد؟! مرا محافظه‌کارتر نکرد و رفتارهای من به رفتارهای تدافعی و سلبی تبدیل شد. چرا باید این اتفاق بیفتد؟ اگر من محافظه‌کار شده بودم کدام یک از فیلم‌هایم به درستی اکران شد؟ فیلم «بودن یا نبودن» به دلیل سوء تفاهات بسیار مسخره در چهارمین روز اکران به دستور مجمع تشخیص مصلحت نظام از پرده سینما فرهنگ پایین کشیده شد. فیلم «آبادانی‌ها» به همین شکل. «آبادانی‌ها» به عنوان نخستین فیلم ایرانی که از فستیوال کن سر در آورد، به دستور وزیر وقت

کارت خواهد گرفت، اما بخش دیگر این ارتباط مخاطب است که وقتی احساس کند که یک فیلم حراف است و وانمود می‌کند که دلسوخته مسائل اجتماعی است از آن دلزده می‌شود. من هنوز وقت نکرده‌ام فیلم‌های نسل جوان را به درستی ببینم اما خیلی مشتاقم، چرا که اگر از این افکار متنوع جوانان استفاده نکنم، کمال خرفتی خودم است و انگار در جایی نشسته‌ام که می‌خواهم با همه دنیا قطع ارتباط کنم. **جاهد:** نکته‌ای که در فیلم‌های امسال جلوه داشت رسیدن سینمای ایران مخصوصاً نسل جوان به استانداردی از تکنیک در ساخت فیلم است.

**امیر یوسفی:** خوشبختانه مسائل تکنیکی سینما تا حد زیادی حل شده است ولی اتفاقاً این باعث شده که مشکل ابدی و ازلی سینما یعنی فیلمنامه پررنگ‌تر شود.

**عیاری:** من شخصاً به این نتیجه رسیدم که کسی دوست

از سال ۱۳۶۳

که وارد کار سینمای حرفه‌ای شدم، تمام فیلم‌هایم با وضعیت رایج در سینمای ایران ساخته شد. کسی که این مسیر را طی می‌کند و یک جابه سیم آخر می‌زند و می‌گوید که دیگر نمی‌توانم تحمل کنم مسأله‌اش با فردی که از آغاز رویکرد دیگری داشته تفاوت دارد



ندارد سینمای ایران، سینمایی مستقل باشد؛ این ابزاری در دست تصمیم‌گیرندگان است که بتواند سینما را کنترل کند. زمان ساخت فیلم «شبح کژدم» اغلب دستگاه‌ها مخالف صدابرداری سر صحنه بودند. و عاقبت یکی از آنها به من گفت با حضور صدابردار سر صحنه ما قادر نیستیم دیالوگ‌ها را اصلاح کنیم.

**امیر یوسفی:** «شبح کژدم» نخستین فیلمی بود که صدای سر صحنه را استفاده کرد و یک بدعت در سینمای ایران بود. آن زمان می‌گفتند مردم به دوبله عادت کردند ولی الان فیلم سینمای ایران را دوبله کنی برای همه عجیب است. حکم همین استفاده از کلاه گیس را دارد.

**عیاری:** این متعلق به همان دورانی است که گفته می‌شد دوبله ایران و ایتالیا برترین دوبله‌های دنیا هستند و نوابغ زیادی در زمینه دوبله داریم که به نظر من کاملاً درست بود. همان زمان هم به من می‌گفتند: مردم عاشق صدای دوبله‌ها هستند و تو با فیلمت آن‌ها را از این صداها محروم